

هفته هنر

تئاتر شهر

قدم زدن در وسط ساخت‌وساز

■ **شرق:** این روزها لایه‌لای همه مشکلاتی که در تئاتر کشور وجود دارد، دبدن تئاتر در برخی از سالن‌های مهم‌ترین مجموعه تئاتر کشور با صدای یکنواخت و قطع نشدن ساخت‌وسازهایی که در اطراف تئاتر شهر وجود دارد همراه شده است. ساخت‌وسازهایی که تقریباً از چهار جهت دامن ساخت‌وتمان گرد تئاتر شهر را گرفته است و به نظر می‌رسد که هیچ‌گاه هم تمام نخواهد شد. یک سو یک مجموعه چند طبقه در حال قد کشیدن است و روبه‌روی مجموعه نیز مترو چهارراه ولی‌عصر دارد جا می‌افتد و خط دیگری که شمال و جنوب تهران را به هم وصل می‌کند قرار است تا یکی دو سال دیگر شروع به کار کند. همه اینها به اضافه بازسازی‌های غیراصولی، نفس این ساختمان را به شماره انداخته است و به نظر می‌رسد که اجرای نمایش در این سالن با راه رفتن در میدان مین فرقی ندارد. این روزها اجرای تئاتر آنقدر برای اهالی تئاتر مشکل شده است که به اجرای نمایش در هر شرایطی راضی می‌شوند و اگر صداهای ناشی از ساخت‌وسازها و اتفاقاتی که در اطراف این ساختمان می‌افتد تمرکز بازیگران و اجرا را بر هم بزند؛ باز هم تئاترها اجرا می‌شود. مجموعه تئاتر شهر امسال ۴۰ساله می‌شود و مورد استفاده قرار نگیرد، سن کمی نیست. اما این سالن در زمان طراحی با توجه به کاربرد اجرایی به شیوه‌ای ساخته شده که سالن‌ها آکوستیک باشند و هیچ صدایی از لای درز سالن‌ها به نفوذ نکند. هر کدام از سالن‌هایی که در این سال‌ها به مجموعه افزوده شده نیز با این نگاه ساخته شده‌اند. اما اتفاقاتی که در ۱۰ سال گذشته برای این سالن رخ داده است، باعث شده‌ تا هم‌زمان با کم شدن مقاومت سازه، وضعیت عایق صدایگر سالن‌ها نیز کم شود. تئاترشهر طی سال‌های گذشته صدمات بسیاری دیده است. بنای این مجموعه بارها و بارها به دلیل حفاری و ساخت‌وسازهای مختلف در ضلع شمالی و جنوبی مجموعه آسیب دیده‌است و ترکه‌ها و تخریب‌های موجود در نمای آن خودنمایی می‌کنند.

طی سال‌های گذشته با وجود اینکه نمای مجموعه تئاترشهر آسیب‌دیده ولی هیچ‌گاه مورد مرمت و بازسازی قرار نگرفته و این در حالی است که این آسیب‌ها و تخریب‌ها در حال رشد است. متأسفانه هیچ توجهی به شرایط و آسیب‌های ایجاد شده برای تئاتر شهر نشده است و قدمی برای ترمیم نشان تئاتر شهر صورت نگرفته است. یکی از سالن‌هایی که بیشترین آسیب را از این ساخت‌وسازها دیده است تالار نقاشی است که به عنوان سومین سالن تئاتر شهر در سال ۵۷ به نام شهید حسن قسقای ساخته شد. این سالن که در جنوبی‌ترین بخش سازه قرار دارد، نخستین سالتی بود که از ساخت‌وسازهای اطراف آسیب دید. در حال حاضر وضعیت عایق صدای این سالن نسبت به دیگر سالن‌ها پایین‌تر است و سطح سر و صدا بالاتر از اطراف است. حتی صدای تمرین تئاتر در پلاژهای اطراف این سالن نیز به داخل این سالن می‌آید و باعث به هم زدن تمرکز گروه اجرایی می‌شود. تئاتر شهر هر روز که می‌گذرد یک قدم به خطر نزدیک‌تر می‌شود و به نظر می‌رسد باید کاری کرد.

روزنه آبی

فیلیپ راث برنده جایزه «آستوریاس»:

کاشی «فونتنسی» زنده بود

■ **گاردین:** «فیلیپ راث» به عنوان چهارمین آمریکایی برنده جایزه ۵هزار یورویی «آستوریاس» با ادای احترام به «کارلوس فونتنسن» گفت: «ای کاش فونتنسن زنده بود و من صدای گرم، دوست‌داشتنی و تبریک وی را از طریق تلفن می‌شنیدم. برای من خیلی تلخ و دردناک بود که این خبر را تنها پس از گذشت چند هفته از مرگ کارلوس فونتنسن که توانسته بود این جایزه را در سال ۱۹۹۴ دریافت کند، بشنوم.» راث که با پشت سر گذشتن وی، با غلیغ بر ۲۳ پیوسندهٔ دیگر از سراسر جهان توانست جایزه امسال بنیاد شاهزاده آستوریاس را از آن خود کند، پس از آن‌تور میلر، سوزان سان‌تاگ و پل آستر، چهارمین آمریکایی است که توانسته مهم‌ترین جایزه ادبی اسپانیا را کسب کند؛ وی گفته است: «کارلوس فونتنس یکی از دوستان عزیز من و همکاری سخاوتمند برای بسیاری از نویسندگان در دهه‌های اخیر بود. او یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان اسپانیایی این دوران محسوب می‌شد.»

دور دنیا

■ **خبر آنلاین:** برگرز کنندگان جشنواره فیلم مونبخ به مناسبت سی‌امین سال درگذشت «راینر ورنر فاسبیندر» یک بخش ویژه را به تقدیر از این فیلمساز آلمانی اختصاصی داده است. از جمله فیلم‌های در نظر گرفته شده برای این بخش می‌توان به تعدادی از فیلم‌های فاسبیندر در دهه ۱۹۷۰ از جمله «سفر مادر گوسترز به آسمان»، «امیدیی»، «در یک سال با ۱۴ ماه» و «هل بسوم» همین‌طور فیلم «ولا» تولید سال ۱۹۸۱ اشاره کرد. «سایه فرشتگان» (دانیل اشویت، ۱۹۷۵) که با اقتباس از نمایشنامه «شغال، شهر و مرگ» نوشته فاسبیندر ساخته شده، یکی دیگر از این فیلم‌هاست.

■ **ایسنا:** عنوان نوزدهمین ملک‌الشعرای ایالات متحده آمریکا به «اتاناشا ترشوی»، شاعر سه مجموعه شعر و برنده جایزه معتبر «پولیتزر» اعطا شد. کتابخانه کنگره آمریکا در این‌باره اعلام کرد، «ترشوی» این سمت را پس از «فیلیپ لوین»، برنده سال گذشته برعهده می‌گیرد و کار خود را هم‌زمان با چاپ جدیدترین مجموعه شعرش از پاییز آغاز می‌کند.



پرویز کلانتری

۱- اخیرا افتخار داشتم در افتتاحیه «ری‌را گالری» در دویی حاضر باشم؛ گالری‌ای در منطقه مهم تجاری-هنری DIFC در همسایگی گالری‌های معتبر بین‌المللی نظیر «پرا گالری»، «ایام گالری» و .. در چند قدمی دفتر «کریستینز دویی» و «هتل امارات تاورز» که محل دائمی برپایی این حراج است. «ری‌را گالری» یک ویرتین و یک سکوی تازه برای دیدم‌شدن هنر ایران در خاورمیانه است؛ یک گالری با معماری شایسته که با نمایشگاهی درخور توجه از نسل نقاشان معاصر ایران افتتاح شد.

۲- جهانی شدن یک تقدیر تاریخی است چه ما بخواهیم چه نخواهیم. پس بهتر آن است که با ارزش‌های فرهنگی خود به این جریان وارد شویم. جاده ابریشم که در گذشته‌های دور، در جریان دادوستدهای اقتصادی و فرهنگی شرق و غرب عالم را به هم وصل می‌کرد و دویی امروز هم حلقه ارتباطی مهم فرآورده‌های هنری به‌ویژه نقاشی خاورمیانه با جهان شده

۳- شما تقریباً ۱۵ سال پیش و در اولین سفرتان به ژاپن گفته بودید این کشور مثل هیچ کشور دیگری در دنیا نیست. شاید همین انگیزه‌ای به شما داد تا فیلم جدیدتان را در ژاپن بسازید.

من هیچ وقت زمان کافی برای اینکه مردم این کشور را تمام و کمال بشناسم به‌دست نیآوردم. در این راستا همواره تلاش داشتم هر طور شده شناخت نسبی از ژاپنی‌ها به‌دست بیاورم. حالا باید بگویم که آنها را مردمی رک و راست و البته بسیار کوشا و زحمتکش یافته‌ام. البته این را هم باید بگویم که برقراری ارتباط عاطفی با آنها کار بسیار دشواری است. به نظر من آنها در قیاس با سایر مردم دنیا آدم‌های تودارت‌ری هستند با این وجود هیچ مشکلی در انجام این پروژه حس نکردم. واقعیت این است که من نمی‌خواهم تفاوت بین آدم‌ها را پیدا کنم بلکه برعکس به دنبال یافتن شباهت‌های آنها هستم.

■ **شخصیت‌های این فیلم مخاطب را به یاد قهرمانان ادبیات ژاپنی مثل کاواباتا، تائیزاکی و اینئوه می‌اندازد. این موضوع آگاهانه بوده است؟**

من شعر ژاپنی را خیلی دوست دارم. با این حال باید بگویم که کارهای اوژو هم تاثیر زیادی روی من گذاشته است. این روزها وقتی

فیلمی درباره شهلا ریاحی

مهروز: زندگی شهلا ریاحی نخستین زن کارگردان سینمای ایران در مستند «خانه‌خطرات» به‌کارگردانی مهر کنوری روایت می‌شود. در این مستند با ژاله علو و تعدادی از بازیگران هم‌نسل وی گفت‌وگو می‌شود. همچنین در کنار گفت‌وگوهای دربارهٔ این هنرمند، دوربین هم‌را با ریاحی به تئاتر نصر، ساختمان رادیو، و می‌رود.

شرق: نام «لوریس چکناوریان» تداعی‌گر موسیقی ارکسترال است. او بیش از ۷۵ سمفونی، اپرا و قطعه موسیقی ساخته است. «چکناوریان» البته می‌گوید از کودکی، مفتون «خانه رنگ» بوده و از رنگ خوشش می‌آمده است. شاید همین امر او را بر آن داشت تا در نشست خبری کنسرتش در تهران از علاقه به نقاشی، مجسمه‌سازی و حتی فیلمسازی بگوید.
در هر حال برایی کنسرت او با ارکستر مجلسی ارمنستان بار دیگر نام چکناوریان را در فضای موسیقی سر زبان‌ها انداخته است. در نشست خبری صبح روز گذشته غیراز چکناوریان، «ازمیک‌اوهانیان» مدیر هنری ارکستر، «هوشنگ کامکار» مدیر هنری گروه موسیقی کامکار و «سول صادقی» مدیر روابط عمومی مجلسی اردو کی هم حضور داشتند تا برنامه‌های ارکستر مجلسی ارمنستان برای حاضران تشریح شود.
این اجرا که از ۱۹ خرداد آغاز شده و تا دوم تیر (هر شب ساعت ۲۱ در تالار وحدت) ادامه دارد کارهای مختلفی از آهنگسازان بزرگ جهان چون چایکوفسکی، ویوالدی،

فرصت‌های تازه هنر ایران در خاورمیانه

است. خوشبختانه برای هنرمندان نقاش ایرانی برگزاری این نمایشگاه در دویی فرصت مناسبی است برای معرفی نقاشی امروز ایران به جهان؛ نمایشگاهی با این همه گونه‌گونی در نوآوری‌ها. جریان هنر امروز ایران به شگفت‌انگیزی با جهان نفس می‌کشد و شایستگی دیده‌شدن را دارد. همچنانکه فیلم جدایی با دریافت جوایز بی‌شمار از جشنواره‌های اروپا و دست آخر با دریافت جایزه اسکار مورد توجه جهانیان قرار گرفت.
۳- نقاشی امروز ایران دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای در نوآوری است. اگر در شروع قرن بیستم تاریخ هنر نقاشی به گونه‌ای پاریس‌مداری مدون شد خوشبختانه در آستانه قرن بیست و یکم تاریخ هنر نقاشی جهان معرف گونه‌گونی‌های این هنر در سراسر جهان از جمله کنج‌کارکوئیدادهای هنر خاورمیانه است. افتتاح بخش هنرهای اسلامی موزه متروپولیتن نیویورک نشان می‌دهد که سهم ایران در این بخش موزه بسیار چشمگیر بوده است.



کیارستمی در گفت‌وگو با «اومانیته»:

نمی‌خواهم تفاوت آدم‌ها را نشان دهم

ترجمه: سجاد فیروزی

«سفر به توکیو» را می‌بینم متوجه می‌شوم که هیچ وقت کهنه و قدیمی نیست؛ زندگی امروزی این کشور شبیه به همان زمان اوژو است. هیچ جای دنیا به اندازه ژاپن آدم مست در خیابان ندارد. ژاپنی‌ها ریل‌های کاملاً ابتدایی و ساده با زندگی دارند. البته در این کشور هیچ دردی هم وجود ندارد چون اصولاً کسی برای کار کردن و درآوردن پول کم و کسری ندارد.

■ **شخصیت‌های فیلم شما توانستند این تاثیر**

می‌کردند؛ مجموعه‌داران یا تجربه‌رب‌آمر آمده بودند، تنوع دلپذیر دسته گل‌های شادباش خود نشانه‌ای از موفقیت مدیران این گالری در دویی بود. اما در ایسن میان حضور مجموعه‌داران جوان در نمایشگاه برای من بسیار شوق‌انگیز بود که نشانه‌ای از تحول جدید در گردآوری آثار هنری از جانب نسل جدید مجموعه‌داران است؛ خریداران نوظهوری که نقاشان صاحب‌سبک ایرانی را به خوبی می‌شناختند و با علم و اطلاع و برنامه آثار هنری می‌خرند و سرمایه‌گذاری می‌کنند.

نکته مهم دیگر موفقیت «ری‌را گالری» در برپایی نمایشگاه افتتاحیه است: انتخاب آثار گوناگون از چند نسل نقاش زیر یک سقف می‌تواند در معرفی واقع بینانه از جریان هنر امروز ایران کارساز باشد؛ جای خوشبختی است که مدیران این گالری این مهم را دریافته‌اند.

چنین رویدادهایی در معرفی توانایی هنرمندان ایران امروز و معرفی ارزش‌های فرهنگی سرزمین کهنسال ایران برای هر ایرانی خوشحال‌کننده و غرورآفرین است که حمایت مسوولانه دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان را می‌طلبد. امید است بریا کنندگان و سرمایه‌گذاران «ری‌را گالری» در ادامه کارشان موفق باشند چه پاک اگر در غرب حمایتی نیست.

حرف می‌زند دقیقاً می‌داند درباره چه چیزی صحبت می‌کند. با این حال آپارتمان واقعی‌ای که او در آن زندگی می‌کند با آپارتمانی که در فیلم دارد کاملاً متفاوت است. وقتی او در دفترش نمی‌نشیند دقیقاً مثل این است که در خانه خودش است. من به مسوول دکوراسیون گفتم که کارش را عالی انجام داده است ولی او از من بابت پیدا کردن شخصی که اینقدر به این دکوراسیون می‌آید تشکر کرد.

■ **می‌شود درباره صحنه جادویی آغاز فیلم در کافه توضیح دهید؛ لفظ‌های که هیچ مدایی نمی‌آید. با این حال این صحنه چیزهای زیادی برای گفتن دارد. این طور نیست؟**

به طور کلی تمام صداها حذف شده‌اند ولی این صداها همیشه در زندگی وجود دارد. وقتی ما به غیر از صداهای مفید بقیه صداها از حاف می‌کنیم به نوعی قلب هم می‌کنیم. در صحنه ابتدایی می‌خواستم نشان دهم که اتفاقات پیش از لحظه فیلمبرداری شروع شده‌اند. وقتی ما به یک کافه می‌رویم جذب صدایی می‌شویم که برایمان جذاب است و اغلب برمی‌گردیم تا ببینیم چه کسی دارد حرف می‌زند. اما وقتی به درون آدم‌ها رخنه می‌کنیم دیگر دنیای اطراف او پاک می‌شود. زمانی که ما غم خیلی شخصی‌ای داریم دنیا دیگر وجود خارجی ندارد. به عنوان مثال پسر جوان که به آقای پیر حسادت می‌کند شنگج‌های درونی می‌بیند که همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. او شب خوابش نمی‌برد، آقای پیر و دختر هم همین‌طور. همه آنها نظر را دید درونی خودشان را دارند. با این حال بهترین کار این بود که همه این اتفاقات در قالب و بافتی ژاپنی رخ دهد چرا که شخصیت مرد پیر ممکن است تداعی‌کننده پیرمردی هوسران باشد که نمی‌خواهد دست از دوران جوانی‌اش بکشد.

■ **درباره درد و اندوه صحبت کردید: ژان کلود کری بر درباره فیلم شما نوشت: «فراموش کردم کجا بودم». البته باید به این موضوع هم اشاره کرد که بی‌شکایت به چیزیی در هیروشیما ندیدم» مارگريت دوراس هم نیست. وجه اشتراک این است که برای وازه درد و اندوه تعریفی وجود ندارد...** فکر می‌کنم درست است؛ حتی وقتی شما دردتان را به یک روانکاو هم می‌گویید باز آن طور که باید و شاید نمو نمی‌شود. توضیح درد درک گیج‌کننده‌ای است.

«اصغر شاهرودی» و گفتار درمانی



ایسنا: «اصغر شاهرودی» که این روزها تکلم خود را باز یافته است، به گفته همسرش نیاز شدیدی به گفتاردرمانی دارد اما به دلیل هزینه بالا امکانش وجود ندارد. «طریق روال گذشته، هفته‌ای سه جلسه فیزیوتراپی ادامه دارد اما همچنان دست و پایش قدرت لازم را ندارد.

دارم و مشایخی، هنرمندی است که این‌گونه موسیقی را می‌شناسد و می‌نویسد اما انگشت‌شماردن مردمی که با موسیقی آوانگارد آشنا هستند.» در ادامه این نشست رازمیک اوهانیان، رهبر گروه کبر گفت: «امیدوارم آهنگسازان خوب کشورمان در کنار نوشتن آثار برای ارکستر سمفونیک، قطعاتی نیز برای ارکستر زهی بنویسند» هوشنگ کامکار هم که در اواسط نشست و به قول خود «سرزده» به دیدار رهبر ارکستر آمده بود، با اشاره به اجرای قطعات خود و ارسالن کامکار با ارکستر مجلسی ارمنستان گفت: «چندی پیش یک کار از من و ارسالن توسط چکناوریان در کنسرت موسسه خیریه «محک» اجرا شد و به دنبال آن به پیشنهاد آقای چکناوریان قطعه شیرین و فرهاد را که برای ارکسترزهی ساز کامپاچه و سنتور و براسلی تم‌های کردی است برای اجرا در اختیار ایشان قرار دادم. همچنین یک قطعه از ارسالن که برای ارکستر و کامپاچه است توسط ارکستر اجرا خواهد شد.»

«ری‌رادربری» مردی بود که هیچ چیز را دور نریخت. او سال ۱۹۹۵ به پس‌اتعلیس تأیمر گفت: «چیزی که درباره تئاتر و تئاترهای کوچک دوست دارم این است که شما روی مریخ هستید. شما دقیقاً آنجا هستید با شخصیت‌ها و می‌توانید ببینید آنها چه حسی دارند و احساس آنها را هم حس کنید. دوست داشتم فکر کنم این نکته مهم کارم است.»



ایسنا: در پی اعلام آمادگی پردیس‌های سینمایی، مدیرعامل موسسه تصویر شهر در ابتدای سخنانش با تأکید بر اینکه نمایش مسابقات یورو ۲۰۱۲ در سینماهای شهرداری تنها در صورت صدور مجوز اداره اماکن نیروی انتظامی امکان‌پذیر خواهد بود، گفت: تمام تلاش‌مان این است که فیلم‌ها سینمایی هیچ لطمه‌ای در این فرآیند نیندازد. ما در پردیس‌های سینمایی چندین سالن داریم. اگر بتوانیم، فیلم را در سالن‌هایمان جابجا می‌کنیم و اگر هم هر یک از دفاتر بخش با این کار موافقت نکردند ما از بخش فوتبال می‌گذریم، چراکه متعهد هستیم فیلم‌ها هیچ لطمه‌ای نیندازد. من سال‌های قبل این را تجربه کردم که خانواده‌ها برای دیدن مسابقات به سینما می‌آمدند و همین امر باعث می‌شد که خودشان مسایل اخلاقی را کنترل کنند.

ادب‌وهنر

آینه‌های روبه‌رو

توضیح مدیر «نشر چشمه» درباره لغو مجوز آن

■ **مساله لغو امتیاز «نشر چشمه»،** طی چند روز گذشته در گفت‌وگویی از طرف «همین دری»، مدیرکل اداره کتاب مطرح شده است. در همین زمینه «حسن کیابیان» مدیر نشر چشمه در متنی به نکته‌هایی جواب داده است تا شاید برخی از سوءتفاهم‌ها برطرف شود. شاید مهم‌ترین نکته‌ای که فراتر از تمام این سخنان قابل توجه است حضور ۳۰ساله نشر چشمه و صاحبان آن در عرصه نشر ایران است. حسن کیابیان در این‌باره نوشته است:«بیش از پنج ماه از شروع تعلیق این انتشاراتی می‌گذرد و در حقیقت پاداش ۳۰سال کارکردن در چارچوب قوانین جاری به نشر چشمه داده نشده؛ ناشری که در این ۳۰ سال حتی یک صفحه کتاب بدون مجوز منتشر نکرده است. در این چندماه کوچک‌ترین مطلبی از سوی این انتشاراتی در رسانه‌ها بیان نشده است در حالی که متأسفانه از آن‌سو مسوولان معاونت فرهنگی که علی‌الاصول باید بیش از ما دغدغه آرامش و دوری از سروصدا و جنجال را داشته باشند در گفت‌وگوهایی چند وقت یکبار خود را رسانه‌ها به بیان انواع و اقسام اتهامات درباره این انتشاراتی پرداخته‌اند و این نشان می‌دهد که مسوولان محترم از سکوت ما و توقعی که از رسیدگی قانونی به مشکل پیش‌آمده داریم دچار سوءبرداشت هستند. این سکوت آگاهانه و با امید حل مشکل از مجرای قانون و با هدف حفظ آرامش در فضای نشر کشور بوده و دلیل دیگری ندارد».

مدیر نشر چشمه درباره اثری را که دچار مشکل شده توضیح داده است: «زمان ابلاغ شغفاهی تعلیق این انتشارات (۱۳۸۱/۹۰) تاکنون دوبار موفق به دیدار با آقای دری شدم که در گفت‌وگوی نخست (۱۳۸۱/۹۰) ضمن نشیندن توضیحات ایشان درباره دلایل تعلیق نشر چشمه مواردی از مشکلات فراراه ناشران را در ارتباط با ممیزی به اطلاع ایشان رساندم که اهم آن، این بود که اصلی‌ترین مشکل ممیزی جاری و ساری در آن وزارتخانه ساختاری و درصدی هم معلول تفاوتی است که در بضاعت ادبی بررسان محترم وجود دارد. بنابراین چه بسایراند کتاب‌هایی که به مشکل ممیزی برخوردند ولی چنانچه با نگاهی دیگر با توسط بررسی دیگری خوانده می‌شد اجازه انتشار می‌بافت. جان کلام در آن گفت‌وگو بود و مثال‌هایی را هم در اثبات درستی سخنم آوردم. از جمله کتاب مورد بحث ایشان در آن گفت‌وگو، کتاب نمایشنامه است از آقای «محمد رحمانیان»، کارگردان صاحب‌نام تئاتر ما با نام «روز حسین» که به قیام حضرت امام حسین(ع) و جنایاتی که لشکریان یزید نسبت به ایشان و خاندان‌شان مرتکب شده‌اند پرداخته است. این اثر سومین نمایشنامه از سه‌گانه‌ای بود که دو بخش اول و دوم آن به نام‌های «پل و اسب‌ها» پیشتر روی صحنه آمده و در برخی از جشنواره‌های مذهبی برنده جوایزی نیز شده بودند. طرح اولیه این نمایشنامه توسط مسوولان بخش تئاتر تأیید شده بود و دست‌نوشته آن در سال ۱۳۸۹ برای انتشار هم‌زمان با اجرای نمایشنامه به این انتشاراتی سپرده شد که حروفچینی و جهت بررسی تحویل اداره کتاب وزارت ارشاد شد. این نمایشنامه در زمان اجرا به مشکل برخورد و مولف پس از قطع امید از روی صحنه بردن آن از نشر چشمه خواست تا از انتشار آن انصراف دهد. این انتشاراتی هم در همان زمان طی نامه‌ای به اداره کتاب خواستار عودت اثر به ناشر شد و به این ترتیب پرورنده کتاب بسته شد. در آن مقطع عدم اجرای نمایشنامه با اظهارنظرات گوناگونی مواجه شد و برخی از کارشناسان این اثر را یکی از مهم‌ترین آثار درام در ادبیات معاصر نامیدند و از آقای «دکتر حسینی» وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهان رفع مشکل آن شدند. جناب آقای دکتر

حسینی در همان تاریخ در گفت‌وگویی که هنوز روی سایت‌های مختلف وجود دارد درباره این اثر اظهارنظر کردند که «نمایشنامه مشکلاتی داشت که هنرمند حاضر نند اصلاحات لازم را انجام دهد بنابراینار طبیعی است که این نمایش اجازه به صحنه رفتن پیدا نکند» ملاحتی می‌کنید که جناب آقای دکتر حسینی معتقد بودند این نمایشنامه مشکلاتی دارد و کل آن را مردود ندانستند.»حسن کیابیان درباره اینکه بهمین دری اعلام کرده که مدیر «نشر چشمه» کتاب را بخوانده، نوشت: «احتمالاً به دلیل زمان زیادی که از جلسه اینجناب با جناب آقای دری گذشته جزئیات گفت‌وگو را به یاد ندارند. بنده در زمان ملاقات با ایشان این اثر را خوانده بودم و حتی فرازی از کتاب را به عنوان بخشی از پیام آن برای ایشان بازگو کردم (که امیدوارم با این توضیح آن را به یاد آورده باشند). فراز بیان‌شده از کتاب (نقل به مفهوم) این بود که چند روز پس از فاجعه عاشورا پیکی به حضور ام‌البین می‌رسد تا خبر شهادت فرزندان‌شان را به ایشان بدهد. بعد از چند فرزند کوچک شهید شده است. ام‌البین در پاسخ می‌گوید حسینم چه شد؟ پیک همچنان از شهادت سومین و دومین و آخرسر فرزند ارشد بانو، حضرت ابوالفضل، خبر می‌دهد و هربار از این مادر ناغدار پاسخ می‌شود که: حسینم چه شد؟ چه کسی می‌تواند این قسمت‌های کتاب را بخواند و متاثر نشود؟ و به معاون فرهنگ عرض کردم که وقتی نویسنده‌ای در چند سطر با این زیبایی و تاثیرگذاری سخن از حقانیت، مظلومیت و نیز محبوبیت حضرت اباعبدالله می‌راند مشخص است که سمت‌وسوی کتاب چیست و پیام اصلی کتاب کدام است. باقی مطالب شاخ‌وبرگ آن است و حتی چنانچه بررسان محترم شما با جمله یا جملاتی از این اثر مشکل داشته باشند زبندت‌تر آن بود که نسبت به جرح‌وتعذیل این جملات اقدام می‌شد. در شهر زادگاهم در ایام عزاداری محرم دیده‌ام حتی کسانی را که از اقلیت‌های دینی بوده‌اند و جهت همراهی با عزاداران حسینی لباس سیاه می‌پوشیدند